

فعل مضارع، فعلی است که اعراب های رفع و نصب و جزم را می پذیرد و هرکدام از این حالات تحت شرایطی امکان پذیر است. درحالت معمولی (قبلش حرفی نیاید)، مرفوع است، اما چند حرف وجود دارند که وظیفه ی منصوب کردن این فعل را دارند و بعضی دیگر وظیفه ی مجزوم کردنش را!! طی دو درس چهارم و ششم به هرکدام می پردازیم.

در صورتی به فعل مضارع، مرفوع می گوئیم که پیش از آن حروف مخصوص نصب و جزم ذکر نشود؛ در آن صورت آخر فعل در بیشتر مواقع می تواند ضمه بگیرد یا در بعضی صیغه ها نونش برقرار باشد!! مانند: یکتبُ ، تکتبُ ، اکتبُ ، نکتبُ ، یکتبَان ، تکتبَان ، یکتبُونَ ، تکتبُونَ ، تکتبِینَ . // یکتبِنَ و تکتبِنَ هم که کلاً هیچ تغییری نمی کنند.

حالا اگر این حروف سرفعل مضارع بیایند، ضمه به فتحه تغییر پیدا می کند و نون ها هم حذف می شوند؛ باز هم جمع های مؤنث

ثابت قدم می مانند!!

حروف ناصبه (نصب دهنده)

أَنْ ، لَنْ ، كَيْ ، لِكَيْ ، حَتَّى ، لَ
 که، این که --- تا، برای این که

مانند: أَنْ يَكْتُبَ ، لَنْ تَكْتُبَ ، كَيْ أَكْتُبَ ، لِكَيْ نَكْتُبَ ، حَتَّى يَكْتُبَا ، لِيَكْتُبَا ، أَنْ يَكْتُبُوا ، أَنْ تَكْتُبُوا ، أَنْ تَكْتُبِي
 که بنویسد ، نخواهد نوشت ، تا بنویسم ..
 یا
 نخواهی نوشت

*توجه: ۱. لَنْ، مفهوم مضارع را به مستقبل منفی تبدیل می کند.

۲. هیچ کدام از حروف بالا، شرط صیغه ندارند و برای تمام صیغه ها به کار می روند.

۳. در تمام موارد بالا فعلمان هم چنان مضارع است و مواردی که گفته شد، مربوط به ترجمه ی آن ها می شود.

